

تأثیر نابرابری سرمایه فرهنگی بر موفقیت تحصیلی دانش آموزان پیش دانشگاهی در دستیابی به آموزش عالی

دکتر محسن نوغانی*

چکیده

تحلیل جامعه شناختی موفقیت در دستیابی به آموزش عالی با تأکید بر نقش سرمایه فرهنگی هدف اصلی این پژوهش را تشکیل می‌دهد. فرضیه اصلی به دنبال بررسی نقش سرمایه فرهنگی بر احتمال قبولی و نمره کسب شده داوطلبان آزمون سراسری ورود به دانشگاه با استفاده از متغیرهای سرمایه اجتماعی، سرمایه اقتصادی و پیشینه تحصیلی است.

جامعه آماری دانش آموزان دختر و پسر مدارس دولتی و غیر دولتی دوره‌ی پیش دانشگاهی استان خراسان و حجم نمونه مورد نظر ۱۶۶۷ نفر بوده است. روش تحقیق، روش پیمایشی و ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسش‌نامه محقق ساخته است. برای تحلیل داده‌ها از رگرسیون چندگانه و رگرسیون لجستیک استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که: در پرتو حضور سرمایه اجتماعی و سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی سهم مثبت و معناداری بر احتمال قبولی و نمره کسب شده داوطلبان دارد.

کلید واژه‌ها: سرمایه فرهنگی؛ نابرابری؛ موفقیت تحصیلی؛ دانش آموز؛ آموزش عالی؛ دوره پیش دانشگاهی.

* استادیار گروه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد و عضو هیأت مؤسس

مقدمه

افزایش روز افزون تقاضا برای ورود به دانشگاه به یک چالش اساسی در ساختار نظام آموزشی کشور تبدیل شده است. با وجود تنوع مراکز و واحدهای دانشگاهی (دولتی، پیام نور، آزاد، غیر انتفاعی و...) هنوز تعادل مناسب و منطقی بین تعداد متقاضیان ورود به دانشگاه و فرصت‌های آموزشی به وجود نیامده است. نگاهی به آمار داوطلبان آزمون سراسری در سال ۱۳۸۰ و ظرفیت‌های پذیرش در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی (اعم از دولتی و آزاد) نشانگر این واقعیت است که اقبال و توجه به آموزش عالی و تقاضا برای ورود به دانشگاه بسیار بیشتر از ظرفیت‌ها و امکانات موجود است.

براساس آمار منتشره از سوی سازمان سنجش آموزش کشور در آزمون سراسری سال ۱۳۸۰، ۱۴۳۱۱۲۴ نفر شرکت کرده‌اند که نسبت به آزمون ۱۳۷۹، حدود ۹۱۹۹۰ نفر افزایش نشان می‌دهد.

در مقابل ظرفیت آموزش عالی حدود ۳۵۰۰۰۰ نفر و تقاضا برای ورود به آموزش عالی حدود ۱۴۰۰۰۰۰ نفر می‌باشد (بیک سنجش، ۸۰). بنابراین، در چنین شرایطی سرنوشت متقاضیان ورود به دانشگاه به طور اجتناب‌ناپذیر در گرو قبولی در یک رقابت فشرده است. عوامل و متغیرهای متعددی که هر کدام به نوبه خود جای بررسی و مطالعه دارند نیز می‌توانند احتمال قبولی داوطلبان را در این رقابت فشرده تحت‌تأثیر قرار دهند. روشن است که تحلیل واقع بینانه ساز و کار موفقیت در ورود به دانشگاه مشروط به لحاظ کردن طیف متنوعی از عوامل فردی و اجتماعی می‌باشد و در این میان توجه به عوامل اجتماعی و تحلیل جامعه شناختی این پدیده با عنایت به غنای نظری حوزه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش یک ضرورت علمی - پژوهشی در زمینه‌ی دست‌یابی به فرصت‌های آموزشی، آن هم در مهم‌ترین عرصه، یعنی ورود به دانشگاه است.

در این میان بررسی سهم و نقش خاستگاه اجتماعی در احتمال قبولی متقاضیان ورود به دانشگاه و اصولاً بررسی رابطه بین نابرابری اجتماعی و نابرابری در دستیابی به آموزش عالی مسأله‌ای اساسی و قابل تأمل در زمینه پدیده ورود به دانشگاه در کشور است. عموماً پژوهش‌های انجام گرفته در زمینه میزان دستیابی گروه‌ها و طبقات اجتماعی به آموزش عالی، مؤید دستیابی نابرابر و نامتوازن است.

برای مثال، تحقیق انجام گرفته در استرالیا (۱۹۹۵) نشان می‌دهد که دانش‌آموزانی که والدین‌شان دارای تحصیلات دانشگاهی‌اند و مشاغل تخصصی دارند، چهار برابر بیشتر از دانش‌آموزانی که والدین‌شان مشاغل کارگری دارند، وارد دانشگاه می‌شوند (ماسلن^۱، ۱۹۹۵).

همچنین در سال ۱۹۹۲ در آمریکا ۶۱ درصد دانش‌آموزانی که جزء گروه‌های با درآمد پایین بودند، وارد دانشگاه شده‌اند. این نسبت برای دانش‌آموزانی که جزء گروه‌های با درآمد متوسط و بالا هستند، به ترتیب ۵۷ و ۸۱ درصد بوده است (بیکر و ولز^۲، ۱۹۹۶).

تحقیق انجام گرفته در سال ۱۹۹۴ نیز نشان داده است که یک دانش‌آموز متعلق به خانواده با درآمد بالا در مقایسه با دانش‌آموزان متعلق به خانواده‌های کم درآمد، ۱۰ برابر بیش‌تر شانس دریافت مدرک دانشگاهی دارند (کلادیوکس^۳، ۱۹۹۶).

در ژاپن (۱۹۹۳) و کره جنوبی (۱۹۹۶) نیز همبستگی مثبت بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده و ورود به دانشگاه‌های خاص نخبگان مشاهده شده است (لی و بریتون^۴، ۱۹۹۶).

1- Maslen
2- Baker and velez
3- Cladieux
4- Lee & Brinton

بر پایه مطالعه انجام گرفته در ژاپن از سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۵، نابرابری تحصیلی از دوره‌ی آموزش عمومی به آموزش عالی انتقال یافته است (میاساکا، ۱۹۹۸).

در سال ۱۹۹۸ پژوهشی در آرژانتین انجام گرفته که نشان می‌دهد درآمد خانواده ۹۰ درصد دانشجویان دانشگاه‌های دولتی بالاتر از حد متوسط است. همچنین تقریباً پدران نیمی از افراد وارد شده به دانشگاه، تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند، در حالی که این نسبت در افراد وارد نشده به دانشگاه کم‌تر از ۷ درصد می‌باشد. تقریباً ۷۰ درصد دانشجویان متعلق به ۳۰ درصد از ثروتمندان افراد جامعه و تنها ۱۱ درصد متعلق به ۵۰ درصد از فقیرترین افراد جامعه هستند. (روزادا، ۲۰۰۱).

پژوهش انجام شده توسط اتحادیه اروپایی در ۱۶ کشور عضو این اتحادیه در سال ۱۹۹۴ نشان می‌دهد:

الف. در کشور آلمان تنها ۱۵ درصد کودکان متعلق به والدین یقه آبی وارد دانشگاه می‌شوند و نسبت دانشجویان متعلق به طبقات پایین طی ۱۲ سال گذشته از ۲۳ درصد به ۱۴ درصد کاهش یافته است؛ در مقابل، نسبت دانشجویان طبقات بالا و متوسط به ۱۵ درصد رسیده است.

ب. در کشور هلند، بین پیشرفت تحصیلی دانشجویان و شغل والدین (به خصوص شغل پدر) و تحصیلات والدین (به خصوص پدر) همبستگی نزدیکی وجود دارد.

پ. در کشور اسپانیا ۸۰ درصد فرزندان خانواده‌های دارای مشاغل مدیریتی در آموزش عالی مشارکت دارند؛ در حالی که تنها ۸/۵ درصد کودکان متعلق به خانواده‌هایی که کارگر غیر ماهر هستند، از آموزش عالی بهره‌مند می‌شوند.

ت. در کشور سوئیس تأثیر خاستگاه اجتماعی بر ورود به دانشگاه در طول زمان افزایش یافته است.

ث. در کشور انگلستان، حدود $\frac{2}{3}$ دانشجویان جزء طبقاتی هستند که مشاغل تخصصی و مدیریتی دارند و در مقایسه تنها $\frac{1}{300}$ آن‌ها متعلق به طبقاتی هستند که کارگران یدی و غیر ماهر هستند و جالب اینکه گروه اول تنها ۸ درصد جمعیت را به خود اختصاص داده است (بخش تحقیقات و آموزش عالی شورای همکاری‌های فرهنگی^۱). با وجود اهمیت این یافته‌ها و تأیید این ادعا که دستیابی به آموزش عالی در سطح جهان و حتی در کشورهای توسعه یافته به صورت نابرابر توزیع شده است، عموماً مقوله نابرابری از منظر متغیرهای کلاسیک و مرسوم قشربندی یعنی تحصیلات، شغل و درآمد تحلیل شده است.

از جمله متغیرهایی که در دو دهه‌ی اخیر مورد توجه پژوهشگران عرصه آموزش و پرورش قرار گرفته است، متغیر «سرمایه فرهنگی»^۲ است. پیر بوردیو^۳ در سال ۱۹۷۷ اولین بار مفهوم سرمایه فرهنگی را برای تحلیل این‌که چگونه فرهنگ و تحصیلات تأثیر متقابل دارند و در «بازتولید اجتماعی»^۴ سهم هستند، به کار برده است.

با عنایت به مبانی نظری حوزه‌ی جامعه‌شناسی آموزش و پرورش و به ویژه رویکرد بوردیو نسبت به نقش سرمایه فرهنگی در موفقیت‌های تحصیلی، تحلیل ساز و کار ورود به دانشگاه از حیث میزان دستیابی افراد به این سرمایه و نقش آن در موفقیت در آزمون سراسری ورود به دانشگاه مسأله‌ای اساسی و

1- Council of cultural co- operation

2- Cultural capital

3- Bourdeiu pierre

4- Social Reproduction

درخور توجه در حوزه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش در ایران و به طور خاص در عرصه ورود به دانشگاه است.

بدین لحاظ این سؤال که میزان دست‌یابی به سرمایه فرهنگی چه رابطه‌ای با موفقیت داوطلبان آزمون سراسری ورود به دانشگاه دارد، مسأله اساسی تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهد.

مبانی نظری

پیربردیو برای تحلیل نقش سرمایه فرهنگی در موفقیت‌های آموزشی از مفهوم «بازتولید فرهنگی»^۱ استفاده کرده است.

مفهوم بازتولید فرهنگی اشاره به وسایلی دارد که به کمک آن‌ها مدارس بر یادگیری ارزش‌ها، نگرش‌ها و عادت‌ها تأثیر می‌گذارد. مدارس ارزش‌های متفاوت فرهنگی و شیوه‌های نگرش فرا گرفته شده در اوایل زندگی را تقویت می‌کنند.

هنگامی که کودکان مدرسه را ترک می‌گویند، این عوامل برای برخی اثر محدود کننده‌ای در فرصت‌ها دارد و برای دیگران دارای اثرات تسهیل‌کننده است.

کودکانی که از زمینه‌های اجتماعی و خانوادگی طبقه پایین برخاسته‌اند، به ویژه کودکان گروه‌های اقلیت، شیوه‌های گفتار و رفتارشان با شیوه‌های گفتار و رفتار مسلط در مدرسه مغایر است. هنگام ورود به مدرسه، کودکان طبقه پایین برخورد فرهنگی بسیار شدیدتری را نسبت به کودکان خانواده‌های مرفه تجربه می‌کنند. در واقع، گروه اول که خود را در یک محیط فرهنگی بیگانه می‌یابند نه تنها کم‌تر احتمال دارد که در جهت عملکرد آموزشی بهتر برانگیخته شوند، بلکه شیوه‌های گفتار و رفتار عادی آن‌ها نیز با شیوه‌های گفتاری و رفتاری

معلمان همخوانی ندارد. حتی اگر هر یک متتهای کوشش خود را برای برقراری ارتباط به عمل آورند (گیدنز، ۱۳۷۲).

در نظریه باز تولید فرهنگی، مدارک مستقل از مهارت‌های خاص یا پاداشی که در بردارند به عنوان ارزش منزلتی مهم نگریسته می‌شوند و بنابر این در تملک یا کنترل نخبگان قرار می‌گیرند تا به موقعیت‌های پر منزلت‌تر که پیش روی آنهاست دست یابند (میکوچی و گومه^۱ ۱۹۹۹).

بورديو برداشتی از طبقه را ارائه می‌دهد که فراتر از مفهوم طبقه در نزد مارکس می‌باشد. او برخلاف مارکس که طبقه را نظامی از حقوق مادی می‌داند، برداشت پیچیده‌ای از طبقه را مطرح می‌کند که انواع سرمایه، یعنی سرمایه اجتماعی^۲، سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی^۳ را در بر می‌گیرد.

بر این اساس او بین سه نوع سرمایه تفاوت قائل می‌شود:

سرمایه اقتصادی: درآمد پولی و سایر منابع مالی و دارایی‌ها و نیز تجلی نهادی آن یعنی حقوق مالی را در بر می‌گیرد.

سرمایه فرهنگی: گرایش‌ها، عادات^۵ دیر پا که در طی فرآیند جامعه‌پذیری حاصل می‌شوند و نیز اهداف فرهنگی ارزشمند نظیر صلاحیت‌های تحصیلی و فرهیختگی را شامل می‌گردد.

سرمایه اجتماعی: مجموع منابع بالفعل و بالقوه که کنشگران از طریق عضویت در شبکه‌های اجتماعی^۶ و سازمان‌ها بدست می‌آورند (آنهیر^۷ و دیگران ۱۹۹۵). سؤالی که بورديو مطرح می‌کند این است که آیا انتقال سرمایه‌ی

1- Gomme and Micucci

2- Social capital

3- Economic capital

4- Disposition

5- Habitus

6- Social Networks

7- Anheier, etal

فرهنگی، جایگزین انتقال سرمایه اقتصادی می‌شود؟ پاسخ او منفی است. زیرا در نظر وی صلاحیت‌ها، توانایی‌های فکری و گواهی یا مدرک تنها نمایانگر نوع خاصی از سرمایه هستند که اکثر موارد به سرمایه اقتصادی افزوده می‌شوند. برای مثال، یک عامل مهم در تشدید رقابت جهت بدست آوردن صلاحیت‌های تحصیلی بدون شک آن است که افراد طبقه مسلط و طبقه متوسط با کمک سرمایه اقتصادی حداکثر استفاده را از آموزش و پرورش برای بازتولید اجتماعی خود می‌برند (هوس، پوستلتویت^۱ ۱۹۸۵). به نظر بوردیو، سرمایه فرهنگی قابل تفکیک به سه مقوله است:

الف. سرمایه فرهنگی لحاظ شده^۲ که بیانگر چیزهایی است که افراد می‌دانند و می‌توانند انجام دهند. در واقع، سرمایه فرهنگی لحاظ شده، توانایی‌های بالقوه‌ای است که به تدریج بخشی از وجود افراد شده‌اند و در او تثبیت گردیده‌اند.

ب. سرمایه فرهنگی عینی^۳ مانند کالاهای فرهنگی و اشیاء مادی از قبیل کتاب، نقاشی و آثار هنری.

پ. سرمایه فرهنگی نهادینه شده^۴ همچون صلاحیت‌های تحصیلی که در قالب مدارک و مدارج تحصیلی نمود عینی پیدا می‌کنند و به دارنده آن‌ها هم از نظر قانونی و هم از نظر عرفی ارزش اجتماعی و تعریف شده می‌دهد (بوردیو، ۱۹۸۶).

نکته اساسی در بحث سرمایه فرهنگی، این است که این سرمایه (به استثنای سرمایه فرهنگی عینی) به ارث نمی‌رسد، بلکه به طور ضمنی و در طی فرآیند جامعه‌پذیری انتقال پیدا می‌کند. در نظریه مارکس، مالک سرمایه می‌تواند ارزش

1-Postlethwaite

2- Embodied

3- Objective

4- Institutionalized

افزوده‌ی بیش‌تری تولید کند و سرمایه افزون‌تری را انباشته سازد و به دیگران از جمله فرزندانش از طریق حقوق مالکیت یا ارث، انتقال دهد.

در مقابل، در نظریه سرمایه فرهنگی بوردیو، مالکیت سرمایه فرهنگی به فرد اجازه می‌دهد در حوزه تولید فرهنگی اعمال کنترل نماید. با وجود این، مالک سرمایه فرهنگی نمی‌تواند آن را به دیگران انتقال دهد و باید در فرآیند تولید آن را مورد استفاده قرار دهد (نخعی و کورتیس، ۱۹۹۸).

به اعتقاد بوردیو هم سرمایه اقتصادی و هم سرمایه فرهنگی مآل‌سهم مهمی در نابرابری و باز تولید آن ایفا می‌کنند و کشاکش‌های متعددی را در بطن زندگی اجتماعی ایجاد می‌نمایند و از سوی دیگر، قابل تبدیل به یکدیگر می‌باشند (بوردیو و پاسرن، ۱۹۹۰).

بوردیو و بولتانسکی^۱ خاطرنشان ساخته‌اند که در استراتژی باز تولید طبقات صاحب سرمایه تغییراتی ایجاد شده است. به نظر آن‌ها قبلاً طبقات مسلط تداوم موقعیت شان را از طریق انتقال مستقیم سرمایه اقتصادی به فرزندانشان به واسطه‌ی قوانین ارث تضمین می‌کردند. اما حضور گسترده مدیران در عرصه قدرت، بکارگیری افراد بر پایه‌ی معیارهای عقلایی را غیر قابل اجتناب نموده است و تقاضا برای دستیابی به فرصت‌های برابر باعث شده است که طبقات مسلط در روش باز تولید طبقاتی خود تغییر ایجاد نمایند.

آن‌ها عنوان می‌کنند که لازمه‌ی استراتژی جدید باز تولید طبقات مسلط، دسترسی به آموزش عالی است. در واقع، آموزش عالی استراتژی جدید باز تولید می‌باشد (نخعی و کورتیس، ۱۹۹۸).

ویژگی بارز نظریه سرمایه فرهنگی بوردیو، تحلیل ساز و کار موفقیت‌های تحصیلی با عنایت به میزان برخوردارگی گروه‌ها و طبقات اجتماعی از این

سرمایه می‌باشد. دانش‌آموزانی که سرمایه فرهنگی بیش‌تری دارند - دانش‌آموزان خانواده‌هایی که مهارت‌ها و برتری‌های فرهنگی مسلط را در اختیار دارند - بهتر می‌توانند قواعد بازی را رمزگشایی کنند و مهارت‌ها و برتری‌های فرهنگی را که در مدارس پاداش می‌گیرند در خود پرورش دهند و بنابراین بهتر می‌توانند به سطوح بالای تحصیلی برسند (اشافنبرگ و مس^۱ ۱۹۹۷). بوردیو در تحلیل موفقیت‌های تحصیلی طبقات مختلف اجتماعی یادآور می‌شود که همگام با گسترش سریع آموزش عالی، سرمایه فرهنگی به عنوان یک نیروی جدید در فرآیند پایگاه - موفقیت وارد عمل می‌شود. به عقیده او کودکان متعلق به زمینه‌های اجتماعی - اقتصادی مسلط، در منزل غالباً در معرض فعالیت‌های فرهنگی بلند مرتبه قرار می‌گیرند و آن‌هایی که سرمایه فرهنگی را در منزل کسب می‌کنند احتمالاً در مدرسه موفق‌ترند و در نتیجه شانس بیش‌تری برای رسیدن به سطوح بالای آموزش در مقایسه با دیگران دارند (کالیمین و کرای کومپ^۲، ۱۹۹۷).

اهداف پژوهش

تیین سهم سرمایه فرهنگی در موفقیت داوطلبان ورود به دانشگاه در پرتو حضور سرمایه اقتصادی و اجتماعی آن‌ها، هدف اساسی این تحقیق است. با توجه به این‌که موفقیت تحصیلی، هم از حیث احتمال قبولی و هم از حیث نمره کسب شده در آزمون سراسری موردنظر قرار گرفته است، دو هدف زیر در ارتباط با هدف فوق مطرح می‌شود:

الف. تییین سهم سرمایه فرهنگی در احتمال قبولی داوطلبان ورود به دانشگاه در پرتو حضور سرمایه اقتصادی و اجتماعی آن‌ها.

1- Aschaffenburg and Mass

2- Kalimjn and kraaykamp

ب. تبیین سهم سرمایه فرهنگی در نمره کسب شده داوطلبان ورود به دانشگاه در پرتو حضور سرمایه اقتصادی و اجتماعی آنها.

فرضیه‌های تحقیق

الف. سرمایه فرهنگی در صورت حضور سرمایه اقتصادی و اجتماعی، رابطه‌ی مثبتی با احتمال قبولی داوطلبان ورود به دانشگاه دارد.

ب. سرمایه فرهنگی در صورت حضور سرمایه اقتصادی و اجتماعی، رابطه‌ی مثبتی با نمره کسب شده داوطلبان ورود به دانشگاه دارد.

روش تحقیق

با استفاده از روش پیمایشی، داده‌های مرتبط با سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی همچنین داده‌های مربوط به متغیرهای زمینه‌ای و از جمله پیشینه‌ی تحصیلی، داوطلبان قبل از شرکت آنها در آزمون سراسری (هنگام تحصیل در دوره‌ی پیش دانشگاهی) جمع‌آوری شده است.

جامعه‌ی آماری، حجم نمونه و شیوه‌ی نمونه‌گیری

"کلیه‌ی دانش‌آموزان دختر و پسر دوره‌ی پیش دانشگاهی مدارس دولتی و غیر انتفاعی استان خراسان در سال تحصیلی ۸۱-۸۰" جامعه آماری پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد.

جامعه آماری مشتمل بر ۴۹۹۰۴ دانش‌آموز است که در ۶۶ ناحیه، منطقه و شهرستان مشغول تحصیل بوده‌اند. دانش‌آموزان نیز در ۳۵۳ مدرسه دولتی و ۴۷ مدرسه غیر انتفاعی به تحصیل مشغول بوده‌اند که شامل ۱۶۱ مدرسه دولتی پسرانه، ۱۹۲ مدرسه دولتی دخترانه، ۱۹ مدرسه غیر انتفاعی پسرانه و ۲۸ مدرسه غیر انتفاعی دخترانه می‌باشد.

تعداد دانش‌آموزان مدارس دولتی ۴۶۷۸۷ نفر و تعداد دانش‌آموزان مدارس غیر انتفاعی ۳۱۱۷ نفر می‌باشد.

نمونه‌گیری طبقه‌ای خوشه‌ای در طرح نمونه‌گیری مورد استفاده قرار گرفت، و جنسیت، نوع مدرسه (دولتی - غیر انتفاعی) و رشته تحصیلی (علوم انسانی، علوم تجربی و ریاضی، فیزیک) طبقات نمونه‌گیری بوده‌اند. در مجموع، طرح نمونه‌گیری شامل ۱۲ طبقه ناهمپوش (۳×۲×۲) می‌باشد. حجم نمونه ۱۹۵۰ نفر برآورد شده است که با احتساب نمونه‌های حذفی، در نهایت ۱۶۶۷ نفر نمونه‌ی تحقیق را تشکیل داده‌اند.

تعریف متغیرها و نحوه سنجش آن‌ها

مهم‌ترین متغیرهای موردنظر در این پژوهش عبارت‌اند از:

- سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی و سرمایه اقتصادی (متغیرهای مستقل)
- نمره کل دانش‌آموز در آزمون سراسری و احتمال قبولی در این آزمون (متغیرهای وابسته)

سرمایه فرهنگی

به استناد مبانی نظری و پژوهش‌های انجام گرفته، برای سنجش متغیر سرمایه فرهنگی ابتدا آن را به دو مقوله کالاهای فرهنگی و رفتارها و رویه‌های فرهنگی تقسیم کرده‌ایم.

الف) کالاهای فرهنگی

منظور از کالاهای فرهنگی، منابع و امکانات فیزیکی و مادی است که در اختیار خانواده‌ها قرار دارد و با تحصیلات و آموزش فرزندان در ارتباط است.

بوردیو سرمایه فرهنگی را به مؤلفه‌های مختلفی تقسیم می‌کند که یکی از آن‌ها سرمایه فرهنگی عینی می‌باشد. به زعم وی این سرمایه شامل کالاهای

فرهنگی و اشیاء مادی از قبیل کتاب، آثار هنری و نقاشی می‌باشد (بورديو، ۱۹۸۶)

شاخص‌های موردنظر برای کالاهای فرهنگی عبارت است از: منابع آموزشی و کمک آموزشی موجود در منزل، شامل کتاب‌های کمک درسی و جزوه‌های آموزشی، فیلم و CD آموزشی و کمک آموزشی؛ تعداد کتاب‌های موجود در منزل (غیر از کتاب‌های کمک درسی و آموزشی)؛ کامپیوتر. شاخص‌های فوق مورد استفاده سایر محققان نیز قرار گرفته است. دی‌ماجیو (۱۹۸۲)، دی‌ماجیو و مُر (۱۹۸۵) نشان داده‌اند که منابع و کالاهای فرهنگی فراهم شده توسط خانواده تأثیر مثبتی بر عملکرد تحصیلی فرزندان دارد.

(ب) رفتارها و رویه‌های فرهنگی

در حوزه مربوط به بحث سرمایه فرهنگی، رفتارها و رویه‌های فرهنگی والدین و ذوق و علاقه آن‌ها نسبت به نمادها و منابع فرهنگی، موردنظر محققان قرار گرفته و شاخص‌های مختلفی برای آن در نظر گرفته شده است. مهم‌ترین شاخص‌های مورد استفاده در این زمینه عبارت است از: بازدید از موزه‌ها، نمایشگاه‌های علمی - هنری و فرهنگی؛ رفتار و عادات مطالعه‌ی والدین در منزل

دی‌گراف^۱ و دیگران، (۲۰۰۰) در هلند نشان داده‌اند که رفتار مطالعاتی والدین نسبت به مشارکت فرهنگی آن‌ها در خارج از منزل، بر پیشرفت تحصیلی فرزندان اثر بیشتری دارد.

بازدید از موزه‌ها، نمایشگاه‌های علمی - هنری و فرهنگی و توجه به امور هنری از قبیل نقاشی و صنایع دستی نیز در بسیاری از تحقیقات به عنوان

شاخص رفتارها و رویه‌های فرهنگی در نظر گرفته شده است (کالیمین و کرای ۱۹۹۶ لاریو و لامونت^۱ ۱۹۹۸).

تحقیقات متعدد نشان داده است که رویه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی والدین، از جمله بازدید منظم از کتابخانه‌ها، نمایشگاه‌ها و موزه‌ها، جو فکری لازم برای آرزوهای تحصیلی، انگیزه پیشرفت و عملکرد تحصیلی فرزندان را فراهم می‌آورد.

پژوهش‌های دی‌گرافت (۱۹۸۶)، کالیمین و کرای (۱۹۸۶) و تیچمن (۱۹۸۷) رابطه مثبتی را بین رفتار فرهنگی والدین و موفقیت تحصیلی فرزندان نشان داده‌اند.

براساس مبانی نظری و تحقیقات انجام گرفته، شاخص‌های زیر برای سنجش رفتارها و رویه‌های فرهنگی والدین در نظر گرفته شده است:

- میزان مطالعه والدین در منزل برحسب ساعت در شبانه‌روز
- بازدید اعضای خانواده از نمایشگاه‌های کتاب، موزه‌ها و نمایشگاه‌های فرهنگی - هنری در طول سال
- میزان آگاهی و اطلاعات والدین در مورد مسائل مربوط به کنکور، انتخاب رشته و...
- میزان اهمیت تحصیلات و امور تحصیلی فرزندان در نزد والدین

سرمایه اجتماعی

بسیاری از محققان، برای سنجش سرمایه اجتماعی ارتباطات درون خانوادگی و بین خانوادگی را به عنوان شاخص‌های اساسی مورد نظر قرار داده‌اند.

تعاملات والدین - کودکان در بطن خانواده به عنوان «سرمایه اجتماعی درون خانواده»^۱ و تعاملات خانواده با سایر افراد، گروه‌ها و نهادها از جمله همسایگان، اقوام و خویشان و مسؤولان مدرسه به عنوان «سرمایه اجتماعی بین خانواده»^۲ مورد نظر قرار گرفته است.

به اعتقاد کلمن^۳ (۱۹۸۸) سرمایه اجتماعی اشاره دارد به روابط اجتماعی حمایتی که هم درون و هم بیرون خانواده دانش‌آموز را در برمی‌گیرد. در درون خانواده، سرمایه اجتماعی در روابط بین اعضای خانواده به خصوص بین والدین و فرزندان تجلی پیدا می‌کند.

سرمایه اجتماعی درون خانواده، مکانیسم مهمی است که از طریق آن انتظارات تحصیلی والدین به فرزندان انتقال می‌یابد و انتظارات تحصیلی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (کلمن، ۱۹۹۸)

کلمن (۱۹۸۸) بر اهمیت سرمایه اجتماعی بیرون خانواده تأکید کرده است. این سرمایه اشاره دارد به شبکه اجتماعی خانواده در اجتماع و رابطه آن با سایر نهادهای اجتماعی و اعضای اجتماع از قبیل مدارس، سازمان‌های اجتماعی و غیره.

استنتون و سالازار^۴ (۱۹۹۵) خاطر نشان ساخته‌اند که سرمایه اجتماعی به طور عمده در روابط بین فردی در خانواده (والدین - فرزندان) و کارگزاری از قبیل آموزگاران، مشاوران، سایر والدین در اجتماع محلی، دوستان، همکلاسی‌ها و همکاران بروز پیدا می‌کند. این کارگزاران منابع انسانی ارزشمندی را به شکل حمایت‌های تحصیلی، مشاوره تحصیلی و اطلاعات درباره ورود به دانشگاه در اختیار دارند.

1- Within Family Social Capital

2- Between Family Social Capital

3- Coleman

4- Stanton and Salazar

پاول و پارسل^۱ (۱۹۹۹) شاخص‌های زیر را به عنوان شاخص‌های سرمایه اجتماعی در نظر گرفته‌اند: توجه والدین به فعالیت‌های فرزندان، شناخت والدین از دوستان و همکلاسی‌های فرزندان، توجه والدین به فعالیت‌های مدرسه یا برنامه‌ریزی در مورد آن‌ها.

گروهی از محققان به تاسی از نظریه پیوندهای ضعیف گرانوویتر، به بررسی روابط اجتماعی اعضای خانواده با افراد خارج از خانواده (سرمایه اجتماعی بین خانواده) پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی که از طریق دوستان در اختیار قرار می‌گیرد، اثر بیشتری بر موفقیت تحصیلی فرزندان دارد.

به اعتقاد گرانوویتر پیوندهای ضعیف در مقایسه با پیوندهای قوی بهتر می‌تواند اطلاعات را در اختیار افراد قرار دهد (جوهان و گوی^۲، ۱۹۹۸).

اگرچه اقوام ممکن است انگیزه بیشتری برای کمک داشته باشند، اما دوستان و آشنایان شبکه‌هایی را فراسوی شبکه والدین ایجاد می‌کنند و اطلاعات ضروری را بهتر فراهم می‌آورند. «توجه و مراقبت والدین^۳» از جمله مفاهیمی است که در مباحث مربوط به سرمایه اجتماعی مورد نظر محققان قرار گرفته است.

مک نیر و رالف (۱۹۹۹) برای این مفهوم ابعاد مختلفی را پیشنهاد داده‌اند:

بحث بین والدین و فرزندان؛ توجه و ارتباط و تعامل والدین با معلمان در نظارت بر امور تحصیلی فرزندان.

یافته‌های پژوهشی آثار و نتایج آموزشی شاخص‌های مربوط به سرمایه اجتماعی را به گونه‌ای مستند ارائه داده‌اند:

1- Powell and Parcel
2- Johanne & Gowey
3- Parental Involvement

پژوهش‌های اکسترون^۱، پولاک^۲ و روک^۳ در سال ۱۹۸۶، و همچنین رامبرگر^۴ و ذرن باخ^۵ در سال ۱۹۹۰ نشان داده است که افزایش سطح حمایت والدین از قبیل کمک‌های مطالعاتی در منزل، کنترل رفتار فرزندان، واکنش به نمرات درسی و توجه به درس‌ها باعث شده است که دانش‌آموزان تشویق شوند تا دبیرستان را به اتمام رسانند.

در نقطه مقابل، اپستین^۶ (۱۹۸۸) بین پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در دروس ریاضی و خواندن و میزان رسیدگی والدین به امور تحصیلی آن‌ها رابطه منفی مشاهده کرده است.

این یافته در تحقیقات هورن^۶ و وست^۷ در سال ۱۹۹۲، میلن^۸ و دیگران در سال ۱۹۸۶ نیز مشاهده شده است (مک نیر^۹، ۲۰۰۱).

(لاریو، ۱۹۸۹) نشان داده است که دانش‌آموزان طبقه متوسط در مقایسه با دانش‌آموزان طبقه کارگر در منزل و مدرسه بهره‌بیش‌تری از رسیدگی والدین می‌برند. این والدین برنامه‌ها و فعالیت‌های درسی را با نیازهای فرزندانشان متناسب می‌سازند و در منزل کمک‌های گسترده‌ای را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهند.

در مجموع، با توجه به مبانی نظری و پژوهش‌های انجام شده، شاخص‌های زیر برای سنجش متغیر سرمایه اجتماعی در نظر گرفته شده است:

- میزان تعامل و نشست و برخاست با اقوام و خویشان نزدیک و

همسایگان

-
- 1- Ekstron
 - 2- Pollak
 - 3- Rock
 - 4- Rumberger
 - 5- Dornbusch
 - 6- Horn
 - 7- West
 - 8- Milen
 - 9- Mc Near

- موقعیت‌ها و مناسبت‌هایی که در طی آن نشست و برخاست‌های خانوادگی صورت می‌گیرد.

- تعداد اقوام، خویشان و همسایگانی که عموماً خانواده با آن‌ها رفت و آمد دارند.

- میزان شناخت والدین از دوستان و همکلاسی فرزندانشان

این شاخص در بحث سرمایه اجتماعی با عنوان فروبستگی نسلی رایج می‌باشد و جیمز کلمن آن را مطرح کرده است.

- میزان بحث و تبادل نظر بین اعضای خانواده در زمینه امور تحصیلی فرزندان

- میزان حضور والدین در مدرسه و تعامل آن‌ها با اولیای مدرسه

- عضویت در انجمن اولیاء و مربیان مدرسه و میزان حضور آن‌ها در این انجمن

سرمایه اقتصادی (دارایی)

برای سنجش سرمایه اقتصادی امکانات و وسایل منزل، امکانات و وسایل اختصاصی دانش‌آموز، نوع و ویژگی منزل مسکونی و قیمت تقریبی اتومبیل خانواده، مدنظر قرار گرفته است.

متغیرهای سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی براساس حاصل جمع نمرات استاندارد شده شاخص‌های مربوط سنجیده شده است.

در کنار متغیرهای یاد شده، متغیرهای زیر نیز براساس اهداف تحقیق موردنظر قرار گرفته‌اند: جنسیت، نوع مدرسه (دولتی، غیر انتفاعی)، معدل نهایی دانش‌آموز در سال سوم دبیرستان (پیشینه تحصیلی)، رشته تحصیلی (ریاضی، تجربی، انسانی).

در ضمن، قبولی یا عدم قبولی دانش‌آموز در آزمون سراسری و همچنین نمره کل وی در این آزمون به عنوان دو متغیر وابسته در نظر گرفته شده‌اند.

ابزار جمع‌آوری داده‌ها و چگونگی اجرای آن

به منظور جمع‌آوری اطلاعات مربوط به سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی خانواده، پیشینه تحصیلی، نوع مدرسه، جنسیت، شغل پدر و میزان تحصیلات والدین از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. نواقص و نارسایی‌های مفهومی و محتوایی سؤال‌ها در مرحله مطالعه مقدماتی رفع شده است.

روایی و پایایی ابزار تحقیق

برای بررسی روایی^۱ پرسشنامه تحقیق و به ویژه روایی سؤال‌های مربوط به متغیر سرمایه فرهنگی از روش روایی سازه^۲ استفاده شده است.

بر اساس نظریه سرمایه فرهنگی بوردیو، سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی قابل تبدیل مکمل یکدیگرند و به عبارت دیگر، بین این دو همبستگی بالایی وجود دارد (بوردیو، ۱۹۹۰).

یافته‌های پژوهشی حاضر نیز مؤید این گزاره نظری می‌باشد؛ بدین صورت که ضریب همبستگی بین متغیر سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی $0/۸۲$ ($p=۰/۰۰۰$) بوده است و این امر نشانگر روایی سازه‌ای سؤال‌های مربوط به متغیر سرمایه فرهنگی می‌باشد.

برای بررسی پایایی^۳ پرسشنامه، از روش آزمون - آزمون مجدد استفاده شده است و ضریب همبستگی حاصل از دو بار اجرای پرسشنامه در مورد یک گروه

1- Validity

2- Construct Validity

3-Reliability

معین برابر با ۰/۸۲ بوده که بیانگر هماهنگی و ثبات نسبی پاسخ‌ها و دقت ابزار می‌باشد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

براساس سطح سنجش متغیرها و فرضیات موردنظر، برای توصیف داده‌ها از آماره‌های توصیفی نظیر میانگین، انحراف معیار و نیز جداول توزیع فراوانی و نمودار و برای تحلیل داده‌ها و پاسخ به سؤال‌های تحقیق از رگرسیون لوجستیک، رگرسیون چندگانه، آزمون t و χ^2 استفاده شده است.

آزمون فرضیه‌ها

آزمون فرضیه اول تحقیق

در این بخش و براساس اهداف تحقیق متغیر پیشینه تحصیلی که بیانگر آمادگی و توانایی‌های تحصیلی دانش‌آموزان می‌باشد، کنترل و در مدل رگرسیون لوجستیک آماری وارد می‌گردد.

جدول شماره ۱. طبقه‌بندی مقادیر پیش‌بینی شده برای احتمال قبولی یا عدم قبولی دانش‌آموزان براساس متغیرهای پیشینه تحصیلی، سرمایه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خانواده

نتیجه	قبولی	عدم قبولی	درصد پیش‌بینی شده
قبولی	۱۳۲	۱۰	۹۲/۹۶
عدم قبولی	۷	۱۰۰۲	۹۹/۳۱
کل			۹۸/۵۳

نتایج جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که مدل لوجستیک براساس متغیرهای موردنظر در مدل توانسته در مجموع ۹۸/۵۳ درصد از افراد را به درستی طبقه‌بندی نماید

به عبارت دیگر، با در نظر گرفتن متغیرهای پیشینه تحصیلی، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی و نقش آن‌ها در پیش‌بینی قبولی یا عدم قبولی دانش‌آموزان، از بین ۱۱۵۶ نفری که جزء نمونه تحقیق قرار

گرفته‌اند، در مجموع ۱۴۲ نفر پذیرفته شده‌اند که در این میان براساس پیش‌بینی مدل لوجستیک ۱۳۲ نفر آن‌ها در شرایط قبولی و ۱۰ نفر در شرایط عدم قبولی قرار می‌گیرند.

همچنین از بین ۱۰۱۴ نفری که در آزمون سراسری قبول نشده‌اند، براساس پیش‌بینی مدل لوجستیک ۱۰۰۷ نفر در شرایط عدم قبولی و ۷ نفر در شرایط قبولی دسته‌بندی شده‌اند.

براساس پیش‌بینی مدل، در مجموع ۹۹/۳۱ درصد از دانش‌آموزان موردنظر در نمونه تحقیق با توجه به متغیرهای سرمایه‌ی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خانواده و پیشینه‌ی تحصیلی در گروه قبول‌نشده‌گان و ۹۲/۹۶ درصد در گروه قبول‌شده‌گان قرار می‌گیرند.

اما برای آزمون این امر که آیا پیش‌بینی مدل لوجستیک برای طبقه‌بندی افراد در دو گروه به لحاظ آماری معنادار است یا خیر و یا رابطه معناداری بین مقادیر پیش‌بینی شده و مقادیر مشاهده شده وجود دارد یا خیر، از آزمون خی‌دو استفاده می‌شود. بر این اساس، مقدار خی‌دو محاسبه شده برای مدل ۷۸۶/۳۴۳ (با درجه آزادی ۴) می‌باشد که از نظر آماری نیز معنادار است ($p=۰/۰۰۰$).

جدول شماره ۲. آماره‌های مربوط به متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون لوجستیک

متغیر	ضریب رگرسیون استاندارد (B)	S.E اشتباه استاندارد	آماره والد	درجه آزادی	سطح معناداری	همبستگی تفکیکی
پیشینه تحصیلی	۲/۵۵	۰/۶۰	۱۷/۵۴	۱	۰/۰۰۰	۰/۱۳
سرمایه اجتماعی	-۰/۲۳	۰/۱۳	۲/۹	۱	۰/۰۸۵	۰/۰۳
سرمایه اقتصادی	-۰/۲۳	۰/۶۷	۱۲/۱۰	۱	۰/۰۰۰	۰/۱۰
سرمایه فرهنگی	۳/۳۰	۰/۶۰	۲۹/۵۷	۱	۰/۰۰۰	۰/۱۷
عرض از مبدا	-۵۶/۸۶	۱۳/۰۹	۱۸/۸۵	۱	۰/۰۰۰	

براساس نتایج جدول شماره ۲ در صورت حضور هم‌زمان متغیرهای مستقل، متغیرهای پیشینه‌ی تحصیلی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی

والدین سهم معناداری در پیش‌بینی احتمال قبولی یا عدم قبولی دانش‌آموزان دارند.

مقدار ضریب B و سطح معناداری برای اثر متغیرهای پیشینه‌ی تحصیلی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی خانواده به ترتیب برابر است با:

$$۲/۵۵ (p=۰/۰۰۰)$$

$$۳/۳۰ (p=۰/۰۰۰)$$

$$۰/۲۳ (p=۰/۰۰۰)$$

همچنین متغیر سرمایه اجتماعی سهم معناداری در پیش‌بینی وضعیت قبولی یا عدم قبولی دانش‌آموزان ندارد ($B=۰/۲۳$ و $P=۰/۰۸۵$).

براساس نتایج جدول ۲ به ازای یک واحد تغییر (افزایش) در معدل دوره‌ی دبیرستان دانش‌آموزان، لگاریتم احتمال قبولی دانش‌آموزان در آزمون سراسری حدود ۲/۵۵ واحد افزایش می‌یابد.

البته برای فهم بهتر و کاربردی تفاسیر مربوط به مدل لجستیک می‌توان ابتدا معادله رگرسیون لجستیک را براساس عرض از مبدا و ضرایب حاصل برحسب لگاریتم طبیعی به دست آورد و آن‌گاه برحسب مورد و با قرار دادن اطلاعات مربوط به یک فرد خاص در معادله مربوط و در نهایت محاسبه آنتی لگاریتم و تبدیل لگاریتم طبیعی به اعداد طبیعی مشخص ساخت که احتمال قبولی دانش‌آموزان موردنظر براساس اطلاعات مربوط به متغیرهای مستقل چند درصد می‌باشد. ضریب همبستگی تفکیک بین متغیر پیشینه تحصیلی و احتمال قبولی یا عدم قبولی دانش‌آموزان $۰/۱۳$ ($P=۰/۰۰۰$) می‌باشد و بیانگر آن است که بین معدل نهایی دوره دبیرستان و احتمال قبولی دانش‌آموزان (مستقل از اثر متغیرهای سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی والدین) همبستگی مثبت وجود دارد.

۲-۱۰. آزمون فرضیه دوم تحقیق

جدول شماره ۳. تحلیل رگرسیون چندگانه برای تبیین نمره کل دانش‌آموزان برحسب پیشینه تحصیلی، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی خانواده

متغیرها	ضریب رگرسیون استاندارد نشده B	ضریب رگرسیون استاندارد شده Beta	مقدار t	سطح معناداری
سرمایه اجتماعی	۸/۸۰	۰/۰۰۱	۰/۰۵	۰/۱۵
سرمایه فرهنگی	۱۷۳۹/۶۸	-۰/۲۷	۱۲/۸	۰/۰۰۰
سرمایه اقتصادی	۱۵۳۰/۱۵	-۰/۱۳	۵/۷	۰/۰۰۰
پیشینه تحصیلی	۵۱۸۳/۱۵	۰/۵۹	۳۷/۱۱	۰/۰۰۰
عرض از مبدأ	۱۱۳۲/۸	---	۳۹/۳۹	۰/۰۰۰

همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	مقدار F	معناداری F
۰/۷۳	$R^2=۰/۵۳$	۳۲۸/۱۶	۰/۰۰۰

نتایج جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که ضریب همبستگی چندگانه بین مجموع متغیرهای مستقل (پیشینه تحصیلی، سرمایه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خانواده) ۰/۷۳ می‌باشد و این امر بیانگر آن است که متغیرهای مستقل به طور هم‌زمان و روی هم رفته همبستگی مثبت و نسبتاً بالایی با نمره کل دانش‌آموز دارند. ضریب تعیین (R^2) معادل ۰/۵۳ است؛ یعنی مجموع متغیرهای مستقل ۵۳ درصد از واریانس نمره کل دانش‌آموز در آزمون سراسری را تبیین می‌کند. نسبت F مشاهده شده در این زمینه ۳۲۸/۱۶ است که از نظر آماری معنادار می‌باشد ($P=۰/۰۰۰$).

معادله رگرسیون چندگانه منتج از جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که از بین مجموع متغیرهای مستقل، تنها متغیر سرمایه اجتماعی والدین، سهم معناداری در تبیین واریانس نمره کل دانش‌آموزان ندارد ($P=۰/۱۵$).

این یافته با یافته‌های مربوط به جدول شماره ۲ که به بررسی تأثیر متغیرهای سرمایه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خانواده و پیشینه تحصیلی بر احتمال قبولی دانش‌آموزان معطوف شده بود، همخوانی دارد.

از سوی دیگر، متغیر پیشینه‌ی تحصیلی در مقایسه با متغیرهای سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی سهم بیش‌تری در تبیین واریانس نمره کل دانش‌آموزان دارد که این امر به استناد مقایسه ضرایب رگرسیونی استاندارد شده (Beta) قابل بررسی است. ضرایب بتا برای متغیرهای پیشینه تحصیلی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی خانواده به ترتیب برابر است با ۰/۵۹، ۰/۲۷ و ۰/۱۳ که هر سه از نظر آماری معنادار می‌باشد ($P=۰/۰۰۰$).

جهت ضرایب فوق حاکی از آن است که بین میزان برخورداری خانواده از سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی و نیز بین معدل دانش‌آموز در دوره‌ی دبیرستان و نمره کل دانش‌آموز رابطه‌ی مثبت وجود دارد.

با مقایسه ضرایب بتا مشخص می‌شود که در بین متغیرهای مستقل، پیشینه تحصیلی، بیش‌ترین سهم را در تبیین واریانس نمره‌ی کل دانش‌آموز دارد.

در نتیجه، متغیرهای سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی به رغم اثر و دخالت پیشینه‌ی تحصیلی، سهم معناداری در تبیین تغییرات نمره کل دانش‌آموز دارند. ولی سرمایه اجتماعی سهم معناداری در تبیین تغییرات نمره کل دانش‌آموز ندارد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر نشان می‌دهد که متغیر سرمایه اجتماعی خانواده با عنایت به شاخص‌هایی که با آن سنجیده شده است، در صورت حضور متغیرهای سرمایه اقتصادی و فرهنگی خانواده و پیشینه تحصیلی دانش‌آموز تأثیر معنی‌داری بر احتمال قبولی دانش‌آموزان در آزمون سراسری دانشگاه ندارد.

نکته قابل توجه این‌که حتی با دخالت اثر پیشینه تحصیلی دانش‌آموز، متغیرهای سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی خانواده سهم مثبت و معناداری بر احتمال قبولی دانش‌آموزان در آزمون سراسری دارند.

با توجه به این‌که پیشینه تحصیلی می‌تواند معرف توانایی و استعداد تحصیلی دانش‌آموز باشد، می‌توان نتیجه گرفت که زمینه اقتصادی و فرهنگی خانواده، مستقل از توانایی‌های تحصیلی و لیاقت و استعداد دانش‌آموزان، بر سرنوشت تحصیلی آن‌ها اثرگذار است؛ همچنین سرمایه فرهنگی والدین در مقایسه با سرمایه اقتصادی آن‌ها سهم بیش‌تری بر دستیابی فرزندان به آموزش عالی دارد.

بر این اساس، یافته‌های مورد بحث در این پژوهش با دیدگاه پیربورديو مبنی بر این‌که «دانش‌آموزانی که سرمایه فرهنگی بیش‌تری را از طریق خانواده کسب می‌کنند، احتمالاً در مدرسه موفق‌ترند و در نتیجه شانس بیش‌تری برای رسیدن به سطوح بالای آموزش در مقایسه با دیگران را دارند»، هم‌خوانی دارد.

بعلاوه، یافته این پژوهش مبنی بر این‌که سرمایه فرهنگی خانواده نقش معناداری در دستیابی به آموزش عالی دارد، با یافته‌های دی‌ماجیو و مُر (۱۹۸۵)، آشافنبرگ و ماس^۱ (۱۹۹۷) و لاریو^۲ (۱۹۸۷) هم‌خوانی دارد.

نکته دیگر آنکه در صورت حضور سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی، نقش سرمایه اجتماعی در دستیابی به آموزش عالی محدود می‌شود با یافته‌های ویمبرلی^۳ در سال ۲۰۰۰ مطابقت دارد.

با توجه به این مهم، یافته‌های این پژوهش نشان داده است که توزیع نابرابر سرمایه در اشکال اقتصادی و فرهنگی منجر به نابرابری آموزشی هم از حیث

1- Ashaffenburg & Mass

2- Lareau

3- Wimberly

نمره داوطلب در آزمون سراسری دانشگاهها و هم از حیث احتمال قبولی وی در این آزمون خواهد شد.

یافته‌ها نشان می‌دهد که همبستگی بین متغیر سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی برابر با ۰/۸۲ بوده است که از نظر آماری نیز کاملاً معنادار می‌باشد ($P=۰/۰۰۰$).

این امر به معنای آن است که سرمایه فرهنگی به عنوان کلید واژه اساسی نظریه سرمایه فرهنگی پیروردیو و فرآیند باز تولید فرهنگی و سرمایه اقتصادی به عنوان کلید واژه اساسی نظریه ستیز و فرآیند باز تولید اجتماعی مکمل و متمم یکدیگر هستند، در همین زمینه بوردیو خاطر نشان می‌سازد که سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی قابل تبدیل و مکمل یکدیگر هستند (بوردیو و پاسرن، ۱۹۹۰).

یافته‌ها نشان می‌دهد که از بین سرمایه‌های سه‌گانه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تنها سرمایه اجتماعی نقش و تأثیر معناداری در موفقیت داوطلبان ورود به دانشگاه ندارد. این مهم با یافته‌های اسمیت و دیگران (۱۹۹۵) و اسمیت (۱۹۹۳) هم‌خوانی ندارد و اصولاً تحقیقات متعدد در خارج از کشور رابطه‌ی مثبت و معنادار بین سرمایه‌ی اجتماعی و موفقیت تحصیلی در سطوح مختلف را نشان داده است. (آلوین^۱، ۱۹۹۸؛ کالمن، ۱۹۹۶؛ تیچمن، ۱۹۹۸؛ پونگ^۲، ۱۹۹۱).

از دیگر یافته‌های مهم این پژوهش سهم معنادار سرمایه فرهنگی در موفقیت تحصیلی در عرصه آموزش عالی هم از حیث موفقیت در ورود به دانشگاه و هم از حیث نمره داوطلب در آزمون سراسری بوده است. این یافته با یافته‌های

1- Alwin

2- Pong

اکثر پژوهش‌های انجام شده در خارج از کشور مطابقت دارد. (دیمایو و مهر،^۱ ۱۹۸۵؛ لارو،^۲ ۱۹۸۷؛ آشافنبرگ و ماس،^۳ ۱۹۹۷).

از نظر بوردیو کودکانی که سرمایه فرهنگی بیش‌تری دارند برای گذراندن مواد درسی آماده‌ترند و از ذوق بیش‌تری برای یادگیری مفاهیم ذهنی و انتزاعی برخوردارند (کالین و کرای کومپ، ۱۹۹۷).

نتایج تحصیلی و رفتار تحصیلی آن‌ها وابسته به سرمایه فرهنگی است که از طریق خانواده انتقال می‌یابد (بوردیو، ۱۹۹۸).

میزان سرمایه فرهنگی خانواده نیز به نوبه خود بر نوع نگرش‌ها و باورهای اعضا اثر می‌گذارد و هر اندازه سهم سرمایه فرهنگی خانواده افزایش یابد، عادت^۴ و به عبارتی خلق و خوی حاکم بر خانواده برای ادامه تحصیل و ارزش تحصیلات اهمیت بیش‌تری قائل است.

به اعتقاد بوردیو، تملک هر کدام از انواع سرمایه (اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی) خوی و خصلت خاص خود را به همراه دارد (ناش،^۵ ۱۹۹۰).

از سوی دیگر، انواع سرمایه (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) مغایر هم نیستند و بلکه هر خانواده از هر یک از سرمایه‌های سه‌گانه به میزانی بهره می‌برد، اما مهم آن است که کدام یک از این سرمایه‌ها در سبب سرمایه‌ای خانواده سهم بیش‌تری داشته باشد.

یافته‌ها نشان می‌دهد که پس از سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی خانواده بیش‌ترین سهم را در آزمون سراسری دانشگاهها (نمره و احتمال قبولی) داشته است. این یافته نیز نشان می‌دهد که خانواده عنصر اساسی در موفقیت تحصیلی

1- Dimagyo & Mohr

2- Lareau

3- Aschaffenburg & Mass

4- Habitus

5- Nash

در عرصه‌ی دانشگاه می‌باشد و این مهم عمدتاً از طریق سرمایه فرهنگی و سپس سرمایه اقتصادی تحقق می‌یابد.

علاوه بر یافته‌ی فوق، سرمایه‌ی اقتصادی و سرمایه‌ی فرهنگی حتی در حضور متغیر پیشینه‌ی تحصیلی که بیانگر استعداد و توانایی تحصیلی دانش‌آموز قبل از ورود به دانشگاه می‌باشد، اثر معناداری هم بر نمره کل داوطلب در آزمون سراسری و هم بر احتمال قبولی وی در این آزمون دارد.

بنابراین، گزاره اصلی نظریه کارکردگرایی مبنی بر این که «موفقیت تحصیلی به معیارهای عامی از قبیل موفقیت در آزمون‌ها و امتحانات بستگی دارد و از آنجا که استعداد و لیاقت، تعیین‌کننده اصلی نتایج این امتحانات و آزمون‌ها می‌باشد، امکان انتقال توانایی‌های مربوط به پایگاه اجتماعی والدین به فرزندان کاهش خواهد یافت (هورن، ۱۹۹۳)، با تأیید تجربی همراه نمی‌شود.

نتیجه آن‌که، در عرصه رقابت برای ورود به دانشگاه الزاماً موفقیت در گرو استعداد دانش‌آموز نیست، بلکه حمایت‌های اقتصادی و فرهنگی خانواده، سرنوشت تحصیلی داوطلبان ورود به دانشگاه را رقم خواهد زد.

شؤبہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

فارسی

- بازرگان، عباس (۱۳۷۳). برابری فرصت‌ها در آموزش عالی، *مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی*، سال اول، شماره ۱.
- پیک سنجش (۱۳۸۰). سازمان سنجش آموزش کشور.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷). *بنیادهای نظریه اجتماعی*، ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- گیدنز، آتونی (۱۳۷۲). *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

انگلیسی

- Alwin, D.F (1991). Family of Origin and Cohort Differences in Verbal Ability, *American Sociological Review*, Vo:56
- Anheir, Helmut. K; Gerhard's, Jorgen and Romo Frank's (1993). Forms of Capital and Social Structure in Cultural Fields, Examining Bourdieu Social Topography, *American Journal of sociology*, Vo: 100, No:4.
- Aschaffenburg, Karen and Mass, Ineke (1997). Cultural and Educational Careers, The dynamics of social reproduction, *American sociological review*, Vo:62, No:4.
- Biosjoly, Johanne and Duncan, Garey. j (1998). Parents Extra Material Resources and Children's School Attainment, *Sociology of Education*, Vo: 71, No:3.
- Bourdieu, Pierre and Passeron, Jean Claude (1990). *Reproduction in Education, Society and Culture*, Sage Publication.
- Coleman, James (1988). Social Capital in the Creation of Human Capital, *American Journal of Sociology*, Vo:4.
- Convert, Bernard (1989). Upper Six Class and their Public, *Revue Franchise de sociologies*, Vo:30
- Council of Cultural Co-operation. Higher Education and Research Division (1996). *Access to Higher Education for under Represented Groups*, Strasburg
- Dale, Roger, etal (1987). *Schooling and Capitalism*. Rutledge and kegan paul
- De Graaf, Nan Dirk; De Graaf, Paul. M and Kraaykamp, Gerber (2000). Parental Cultural Capital and Educational Attainment in the Netherlands, a refinement of the Cultural Capital Perspective, *Sociology of Education*, Vo:73
- DiMaggio, Paul (1982) Cultural Capital and Social Success: the Impact of Status Cultural Participation on the Grands of High School Students , *American Sociological Review*, Vo:4

- Hussein, Tours Ten; Postlethwaite, Tensile (1985). *International Encyclopedia of Education*, Pergamon press.
- Jenks, Chris (1993). *Cultural Reproduction*. Rutledge
- Johanne and Govey (1998). Parent Extra familiar resources and Childrens School attainment, *Sociology of Education*. Vo: 11, No:3.
- Kalmijn, Matthias, Kraaykamp, Gerber (1996). Race, Cultural Capital and Schooling, an Analysis of Trends in the United States, *Sociology of Education*, Vo: 69, No:1.
- Karen, David (1981). Inequalities in Access to American Higher Education, 1840 to 1980, *Eastern Sociological Society*
- Lareau, Annette (1987). Social Class and Family-School Relationships, the Importance of Cultural Capital. *Sociology of Education*
- Laree, Annette; Horvat, Erin McNamara (1999). Moments of Social Inclusion and Exclusion, Race, Class and Cultural Capital in Family-School Relationship. *Sociology of Education* Vo:72.
- Lee, Sunhwa; Briton, Mary (1996). Elite Education and Social Capital, the Case of South korea, *Sociology of Education*, Vo:63, No:3
- Maslen ,Jeffrey (1995) Study Finds Class Division in Access to Australian Higher Education, *The Chronic of Higher Education*, Vo: 42, No:14.
- Mnear, Ralph. B (2001). Differential Effects of Parental Involvement on Cognitive and Behavioral Outcomes, Socioeconomic Statuses, *Journal of Socio-economics*, Vo:30.
- Miyasaka Jackie (1998). An Analysis of Trends in Educational Opportunity, *International Journal of Sociology*, Vo: 28.
- Nathalie, Janine; Ghostly. S (1998). Social Capital, Intellectual Capital and the Organizational Advantage, *The Academy of Management Review*, Vo:23, No:2.
- Nakhaie, Reza, Curtis, James (1998). Effects of Class Positions of Parents and Educational Attainment Daughters and Sons, *The Canadian review of sociology and anthropology*, Vo:35, No:4
- Nash, Roy (1990). Bourdieu on Education and Social and Cultural Reproduction, *British Journal of Sociology of Education*, vo:11, No:4.
- Pong, S (1998). The Academic Success of East-American Students, an Investment Model, *Social Science Research*, Vo:27.
- Powell, Mary Ann; Parcel, Toby. L (1999). Parental Work, Family Size and Social Effects in Early Adolescent Educational Outcomes. the United States and Great Britain Compared, *Research in Sociology of Work*, Vo:7.
- Putnam, Robert (1995). Bowling Along, American Deckling Social Capital, *Journal of Democracy*, Vo:6, No:1
- Rozada, Martin Gonzalez; Menendez, Alicia (2001). Higher Education Subsidies in *Argentnam, Center for International Higher Education*
- Shamai, Samuel (1990). Critical Sociology of Education, Theory in Practice, *British Journal of Sociology of Education*. Vo:11, No:4.
- Smith, Mark Holland (1993). Family Characteristics, Social Capital and College Attendance [Abstract], *Dissertation Abstract*.

- Smith, Mark Holland; Beaulieu, L.J; Seraphine, A (1995). Social capital, place of residence and college attendance, *Rural sociology*, Vo:60.
- Stanton, Ricardo, D, Salazar, Sanford (1995). Social Capital and Reptoduction of Inequality, *Sociology of Education*, Vo: 63. No:2.
- Teachman J.D. Peach. K; Carve. k (1996). Social Capital and Dropping Out of School Early, *Journal of Marriage and Family.*, Vo:58, No:9.
- Wimberley, Gorge Lee (2000). Links Between Social Capital and Educational Attainment Among African American Adolescents, [Abstract] *Dissertation Abstract*.
- Worlds conference in higher Education (1998). Higher Education in The Twenty first Century; Visions and Action. *ury; Visions and Action*.





پښتونستان د علومو او مطالعاتو فریښی
پرتال جامع علومو انسانی